

خلق پول و شرایط حاکم بر آن

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۱۱/۰۲ تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۱۲/۲۰)

مقاله برتر همایش های

احسان نیرپور

موسسه قانون یار

چکیده

نزدیک به هفده سال از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا و اجرای سیستم بانکی مبتنی بر آن می گذرد. هدف قانون گذار از طراحی سیستم مزبور طرد از شبکه بانکی کشور بوده است. آیا این آرمان مقدس عملی شده است؟ پاسخ طراحان و مجریان نظام بانکداری در کشور به این سوال مثبت است. اما متاسفانه امروزه تصور بسیاری از مردم این است که فعالیت بانکها بطور عمده ربوی می باشد و تنها اسم و عنوان قالب کار تغییر کرده است. این فتوا چه درست و چه نادرست زیان های فراوانی دارد از جمله اینکه حرمت رباخواری در ذهن و فکر عامه مردم از بین می رود. و یابسیار کمرنگ می شود و می گویند اگر واقعا ربا حرام است چرا داد و ستد ها در ایران براساس ربا است که البته در این زمینه عوامل و علل تشدید کننده ای نیز برای این ذهنیت وجود دارد و این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به این دستاوردها رسیده است که تعیین درصد سود سپرده های بانکی از پیش و عملکرد بسیاری از بانک ها که غالبا از گیرندگان تسهیلات درموردی که پیشاپیش نمی توان سود قطعی بر پروژه و کار آنان تعیین کرد نرخ سود معینی را مطالبه می کنند.

واژگان کلیدی: پول، بانک، اسکناس، وجوه نقدی، نقدینگی، اقتصاد، تسهیلات



مقدمه

اقتصاد دانان بوروژائی نمی توانستند ماهیت و نقش پول را به طور روشنی توضیح دهند و با برخورد سطحی احکام نادرستی برای توضیح واقعیت وجود پول اختراع می کردند عده ای معتقد بودند که پول تنها یک قرارداد است که میان خریداران و فروشندگان بسته شده، عده ای می گفتند پول را دولتها ابداع کرده اند و عده ای دیگر پول را نیز کالائی نظیر کالاهای دیگر می دانستند و تفاوتی میان پول و سایر کالاهای قائل نبودند در بازار امروزی مبادله کالا با کالا موجود نیست. در این بازار پول حاکم است، کالاهای به جای این که با یکدیگر مبادله شوند خرید و فروش می شوند. هر کسی کالایش را می فروشد و با پولی که در دست دارد کالای مورد نیازش را می خرد. سوالی که پیش می آید این است که چه رابطه ای میان مبادله کالا با کالا، با بازاری که در آن پول حاکم است وجود دارد. پول چیست؟ از کجا آمده، عوامل دوگانه کالا و تضاد درونی آن در شرایط وجود پول چگونه بروز می کند؟

پاسخ این پرسش ها قبل از مارکس به طور دقیقی بررسی نشده بود. اقتصاد دانان بوروژائی نمی توانستند ماهیت و نقش پول را به طور روشنی توضیح دهند و با برخورد سطحی احکام نادرستی برای توضیح واقعیت وجود پول اختراع می کردند. عده ای معتقد بودند که پول تنها یک قرارداد است که میان خریداران و فروشندگان بسته شده، عده ای می گفتند پول را دولتها ابداع کرده اند و عده ای دیگر پول را نیز کالائی نظیر کالاهای دیگر می دانستند و تفاوتی میان پول و سایر کالاهای قائل نبودند. کشف ماهیت پول، چگونگی پیدایش آن و نقشی که در تولید کالائی مبتنی بر مالکیت خصوصی ایفا میکند، مدیون مارکس است. مارکس برخلاف اقتصاددانان



بورژوائی در پی حدس و توجیه نبود. او در این زمینه جریان تاریخی روند تکاملی را که به پیدایش پول منجر شده است دنبال می کند. نتیجه ای که بدست می آورد علمی، قاطع و راهگشاست. نتیجه بررسی علمی مارکس این است که پول یک باره پدید نیامده و به اصطلاح ابداع و اختراع این و یا آن شخص و این یا آن دولت نیست. پول بر اثر تکامل مبادله و تولید کالائی پدید آمده و اصل نیازمندی آن است. در طول قرن‌ها و قرن‌ها که مبادله کالا جریان داشته، ارزش کالا اشکال گوناگونی به خود گرفته تا این که شکل پولی ارزش پدید آمده است

بخش اول: تبیین پدیده ی خلق پول در سیستم بانکی و نسبت آن با ربا

ربا نوعی از زیاد شدن است که شبیه به بزرگ شدن یک حباب می ماند. خداوند متعال به این نوع از زیاد شدن قول به محاق رفتن را داده است. در سیستم بانکی و مالی اسلامی، تا کنون آنچه راجع به ربا گفته شده است، عمدتاً معطوف به معرفی به دو گونه ی ربای معاملی و ربای قرضی خلاصه می شده است. اما با توجه به گستردگی و پیچیدگی سیستم های مالی کنونی دنیا و نظام بانکی بین الملل، پدیده ای به نام خلق پول به وجود آمده است؛ این پدیده با ویژگی های خاص خود، مصداق ربای کلان است که در پس پرده ی نظام بانکی و مالی کشور ما نیز در حال گسترش است. ربا نوعی از زیاد شدن است که شبیه به بزرگ شدن یک حباب می ماند. خداوند متعال به این نوع از زیاد شدن قول به محاق رفتن را داده است. در سیستم بانکی و مالی اسلامی، تا کنون آنچه راجع به ربا گفته شده است، عمدتاً معطوف به معرفی به دو گونه ی ربای معاملی و ربای قرضی خلاصه می شده است. اما با توجه به گستردگی و



پیچیدگی سیستم‌های مالی کنونی دنیا و نظام بانکی بین‌الملل، پدیده‌ای به نام خلق پول به وجود آمده است؛ این پدیده با ویژگی‌های خاص خود، مصداق ربای کلان است که در پس پرده‌ی نظام بانکی و مالی کشور ما نیز در حال گسترش است. لذا در این مقاله به تبیین پدیده‌ی خلق پول و نسبت آن با مفهوم ربا خواهیم پرداخت تا از این رهگذر، ضرورت نظام‌سازی در راستای تحقق اقتصاد اسلامی بیش از پیش بر اندیشمندان این حوزه، روشن گردد و از به محاق رفتن فضای اقتصادی مان جلوگیری به عمل آید.

بند اول: معنا و مفهوم ربا

در قرآن چهار کلمه وجود دارد: ربا، زیاد [۱]، اضعاف [۲]، برکت. همه این کلمات به معنی افزایش‌اند، اما در عمل با یکدیگر تفاوت‌های زیادی دارند. ربا نوعی از زیاد شدن است که شبیه به بزرگ‌شدن یک حباب می‌ماند. خدا به این نوع از زیاد شدن قول به محاق رفتن را داده است. [۳]

مرحوم آیت الله طالقانی درباره‌ی مفهوم ربا می‌فرماید: [ربا] به معنای افزایش و تورم است. معامله ربوی به آن دسته از معاملات اطلاق می‌شود که سرمایه خود به خود و بدون عمل مفید افزایش یابد و چون معامله ربوی اغلب یا منحصر در عصر ظهور اسلام از راه قرض پول بوده، از این نظر باید ربای ممنوع منحصر به ربای عاید از راه قرض پول باشد؛ ولی سنت‌گذاران اسلام که مفسر و مبین نظر قرآن بودند، قسمتی از معاملات را مشمول عنوان ربا دانسته و آن را تحریم کرده‌اند؛ مقیاس این قسم معاملات ربوی مبادله دو کالا با اضافه است که از یک نوع و مکیل و موزون باشد. [۴]



بند دوم: خلق پول، نمود ربای کلان در نظام بانکی و مالی

با توجه به پیچیدگی های کنونی سیستم های مالی و بانکی بین المللی، اکنون اشکال متفاوتی از ربا پدید آمده که می بایست اولاً ربا بودن آن را برای همگان ثابت کرد و ثانیاً آن را به تبدیل به یک گفتمان رایج نمود تا از این رهگذر، یک مطالبه گری عمومی برای ربازدایی از سیستم بانکی و مالی به وجود بیاید. در نظام های امروز جهان شیوه ای برای تامین هزینه ها (مالی) وجود دارد که به آن خلق پول می گویند. در ساز و کار پولی مدرن، بانک ملزم به نگهداری بخشی از سپرده گذاری های مردم به عنوان ذخیره، معادل درصدی از حساب، در بانک مرکزی است. سال ها پیش، بانک مرکزی ایالات متحده با نام فدرال رزرو [a]، کتابچه ای منتشر کرد به نام مکانیک های پول مدرن [b]. این نوشته به تشریح روش خلق پول توسط فدرال رزرو و شبکه ای از بانک های تجاری تحت حمایت او، می پردازد و در صفحه ی اول، هدف خود را این چنین بیان می کند: این کتابچه بر آن است تا روند اساسی تولید پول را در سیستم «بانکداری فرکشنال رزرو [c]» توضیح دهد.

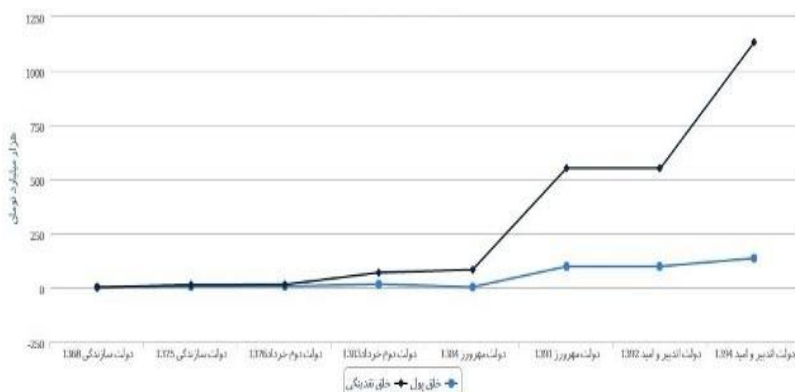
در آیین نامه ی کنونی، رزرو الزامی برای بیشتر سپرده ها، ۱۰٪ است. این یعنی با یک حساب سپرده ی ۱۰ میلیارد دلاری، ۱۰٪ یا ۱ میلیارد دلار به عنوان رزرو ملزم، نگه داشته می شود و باقی ۹ میلیارد دلار، به عنوان رزرو اضافی در نظر گرفته می شود و بانک می تواند از آن، به عنوان پایه ای برای وام های جدید استفاده کند. حال منطقی است که فرض کنیم این ۹ میلیارد، در واقع از سپرده ی ۱۰ میلیارد دلاری، بیرون می آید، اما در حقیقت این طور نیست. چیزی که واقعا اتفاق می افتد این است که ۹



میلیارد دلار، به سادگی از ناکجا، خلق می شود و در کنار سپرده ۱۰ میلیاردی قرار می گیرد. این گونه است که ذخیره ی پولی گسترش می یابد. همان طور که در مکانیک پولی مدرن گفته شده است، قطعاً بانک ها، واقعا وام ها را از محل سپرده ای که دریافت می کنند، نمی پردازند، که اگر این کار را می کردند، پول جدیدی ایجاد نمی شد. بانک ها، پول رزرو را (منهای درصدی که باید برای پاسخ به مراجعات درخواست پول نقد، نگه دارند) وام می دهند. حال فرض کنیم کسی وارد بانک شده و ۹ میلیارد دلار جدید در دسترس را، وام بگیرد. او هم به احتمال زیاد (در واقع به احتمال قریب به ۱۰۰٪) چون پول دست هر کس برود و به هر میزان هم که خرد و پخش شود، باز در حساب های تک تک افراد، و در بانک ها تجمع می شود؛ پول همواره مال بانک است و مردم فقط در توهم^۶ اند که پول دارند! پول را بر داشته و در حساب خود در بانک، می گذارد. این روند دوباره تکرار می شود، زیرا این سپرده نیز به رزرو بانک در می آید، ۱۰٪ آن جدا شده، و در عوض ۹۰٪ از نه میلیارد دلار، یا ۸/۱ میلیارد دلار جدید، برای اعطای وام، در دسترس بانک است و البته آن ۸/۱ میلیارد دلار نیز می تواند وام داده شده و سپرده گذاری شود و ۷/۲ میلیارد دلار اضافی تولید کند؛ بعد ۶/۵ میلیارد و ۵/۹ میلیارد و این چرخه ی ایجاد حساب، خلق پول-وام، از نظر تئوری می تواند تا بی نهایت ادامه یابد. نتیجه ی میانگین ریاضی این است که نود میلیارد دلار، می تواند در کنار ۱۰ میلیارد دلار اصلی، خلق گردد. به عبارت دیگر، به ازای هر حساب که در سیستم بانکی ایجاد می شود، حدود ۱۰ برابر آن مقدار می تواند از عدم، خلق شود. [۶]



روند خلق پول و خلق نقدینگی در دولت‌های مختلف پس از انقلاب، همواره به دلیل عدم هماهنگی هزینه‌ها و درآمدها، به طرز سریعی در حال افزایش بوده است.



در سال‌های اخیر به دلیل کسری بودجه‌ی مضاعف در دولت‌های دهم و یازدهم، خلق پول توسط بانک مرکزی راه آسان اما پرضرری بوده که دولت‌ها انتخاب کرده‌اند و نتیجه‌ی آن افزایش بی حد و حصر نقدینگی در اقتصاد است. هر واحد خلق پول توسط بانک مرکزی به واسطه‌ی ضربی به نام ضریب فزاینده، ۵ تا ۶ برابر می‌شود و حجم نقدینگی موجود در اقتصاد را به سرعت بالا می‌برد. تنها یکی از آثار این فزاینده بروز تورم در اقتصاد است. لازم به ذکر است که همواره بانک مرکزی تغییرات حجم نقدینگی را اعلام می‌نماید حال آنکه نقدینگی از حاصل ضرب پایه پولی در ضریب فزاینده پولی تشکیل می‌شود. پایه پولی خلق پولی است که توسط بانک مرکزی انجام می‌شود و ضریب فزاینده پولی خلق پولی است که توسط بانک‌های عامل انجام می‌پذیرد. خلق پول با این سرعت بالا باید به صورت مداوم رصد شود، چرا که نشان‌گر سرعت بالای خلق پول بدون پشتوانه است. پول



بدون پشتوانه‌ای که هیچ معادلی در بخش واقعی اقتصاد ندارد و کالاها و خدمات به هیچ وجه نمی‌توانند با این سرعت خلق شوند. همان‌گونه که گفته شد نتیجه‌ی این اتفاق چیزی جز تورم نیست. به علاوه خلق پول بدون پشتوانه در نگاه دقیق‌تر ربا است؛ چرا که خلق از عدم است و برای خلق هر یک واحد پول که با یک واحد از کالاها و خدمات در اقتصاد هم ارزش خواهد شد، هیچ زحمتی کشیده نمی‌شود و در مقابل کالاها و خدمات در اقتصاد با زحمت تولید شده‌اند و دارای ارزش ذاتی و واقعی‌اند. درست مانند آن‌چه که در ربای قرضی، اضافه بر پول قرض داده شده گرفته می‌شود. هر چند در ربای قرضی، دسته کم پولی قرض داده شده است، اما در وام‌های اعطا شده از قبل خلق پول، بدون این که حتی پولی قرض داده شود، از تسهیلات اعطایی بهره‌مند می‌شود. فلذا با استدلال‌های فوق، خلق پول بانک‌ها را می‌توان زیرساخت نظام ربای کلان در بانک‌ها برشمرد.

بخش دوم: ربا و شرایط تحقق آن

از دیدگاه اسلام ربا عبارت است از گرفتن مبلغ اضافی روی دین واقعی مشروط بر اینکه از قبل شرط شده باشد. با استفاده از همین تعریف ساده.. عملیات بانکداری اسلامی در ایران طوری پایه‌گذاری شده است که تحت چنین شرایطی هیچ نوع رقم اضافی از گیرنده تسهیلات اعتباری اخذ گردد. برای بررسی بیشتر باید نتایج حاصل از این تعریف تشریح گردد. نتایج زیر از تعریف مذکور قابل استخراج است.

۱- وجود دین واقعی

۲- وجود دائن مستقل از دیدن



۳- شرط قبلی برای دریافت رقم اضافی روی دین

۴- دریافت مبلغ اضافه روی دین.

هر گونه دین که از اجتماع نتایج مذکور بوجود آید از دیدگاه بانکداری اسلامی در ایران شرایط لازم و کافی برای تحقق "ربای پولی" را دارد. لکن در صورتیکه یکی از نتایج مذکور در عمل استقراض وجود نداشته باشد. بظاهر ممکن است عمل استقراض شکل ربوی داشته باشد. لکن عملاً ربا تحقق پیدا نمی کند. بعبارت دیگر از دیدگاه ضوابط و مقررات بانکداری اسلامی ربا تحقق پیدا نمی کند. مگر با اجتماع چهار نتیجه فوق در امر استقراض.

بند اول: مسئله استقلال داین و مدیون

وجود دائن مستقل از مدیون و یا وجود مدیون مستقل از دائن از جمله عناصر بسیار اساسی در استقراض است که فقدان استقلال یکی موجب از بین رفتن ماهیت استقراض و در نتیجه عدم تحقق ربا می گردد. وابستگی راین به مدیون و یا برعکس موجب پیدایش این ویژگی می گردد. ^۱ طبعاً هنگامی که این وابستگی کامل می گردد. از دیدگاه شرعی موجب نقص اصل استقراض می شود. به عنوان مثال اعطای وام توسط یک شعبه به موسسه بازرگانی متعلق به شخص و به شعبه دیگر آن ظاهراً روجد قرارداد وام بین دو شعبه مزبور است. ولی ذاتاً چنین قراردادی از دیدگاه شرعی

۱) از دیدگاه اسلامی پرداخت رقم اضافه روی دین ایجاد شده بین پدر و پسر و شاید به دلیل وابستگی کامل پسر به پدر "ربا" محسوب نمی گردد.



قرارداد تلقی نگردیده و تعهد آورنیست زیرا عناصر دائن و مدیون درحقیقت دریک شخص جمع می شود و درنتیجه شخص نمی تواند از خود طلبکار یا به خود بدهکار شود. بهمین ترتیب اعطای تسهیلات اعتباری بین دو شرکت متعلق به یک کرده. مشخص از سها مدران هر چند از دیدگاه بانکداری بظاهر موجر قرارداد استقراض است. لکن از دیدگاه شرعی ایجاد رابطه مستقل بین دائن و مدیون بوجود نمی آید مثال بارزتر آن استقراض یک شعبه یک بانک بایک شرکت از شعبه دیگران است که فقط از لحاظ اداری صورت استقراض بخود می گیرد. ولی از دیدگاه حقوقی رابطه تعهد و طلب ایجاد نمی کند. در تمام این موارد فقط نقل و انتقال وجوه در درون موسسه متعلق به یک شخصیت صورت می گیرد و اقدام دیگری انجام نمی شود از نتیجه این ویژگی در بانکداری اسلامی استفاده می شود اما مساله ای که اینجا مطرح می شود این است که آیا این مساله رami توان به رابطه بین مردم و اشخاص حقوقی و بانک ما هم تعلیم داد و آیا واقعا کسی که از بانک وام می گیرد و یا نزد بانک سپرده دارد قبول می کند که با بانک رابطه پدر و فرزند دارد و یا اصولا حداقل در جامعه ای که مردم این باور را دارند که با دولت رابطه پدر و فرزند دارند طبعاً در جامعه ای که مردم حتی نسبت به پرداخت مالیات هم اکراه می ورزند. نمی توانند چنین مساله را قبول کنند که پولی که بانک ها یا به دولت می پردازند به نفع خود آنهاست. از طرفی مردم براین باورند که دولتمردان در بخشهای وسیعی اقتصادی سرمایه گذاری می کنند که آنها شاید نفع زیادی از آن نبرند. و در واقع کمتر افرادی پیدا می شود که دولت را امین خود بدانند. پس نمی توان روی این مساله زیاد تکیه کرد.



بند دوم: جبران کاهش ارزش پول

تحولات پولی در عصر حاضر باعث شده است که پول به عنوان قدرت خرید در طول زمان یک کالای مثلی نباشد و لذا در مورد بهره پول این مساله ذکر می شود که چون در طی سالهای متمادی براساس نرخ تورم از قدرت خرید پول کاسته می شود و برای جبران ارزش از دست رفته آن ناچار باید در زمان باز پرداخت وام مبلغی را برای حفظ قدرت خرید پول هم پرداخت کرد. این هم مساله ای است که گاهی برای فرار از ربا و حرمت آن مطرح می شود و یا شاید بتوان آن را وسیله ای برای تجویز ربا دانست اما مسئله ای که در اینجا مطرح می شود این است که نرخ تورم قابل پیش بینی نیست یعنی واقعا نمی توان پیش بینی کرد که صد تومان امروزمه سال بعد چند تومان قدرت خرید دارد این در صورتی است که ما میزان این اضافه ارزش را از قبل تعیین می کنیم و این یکی از مسائل تحقق ربا است که شرط قبلی برای دریافت رقم اضافه داشته باشیم. در صورتی که اگر میزان تورم بیش از مبلغ پیش بینی می باشد به دائن و اگر کمتر باشد به مد یون ظلم می شود و اصولا ممکن است تورم ثابت باشد تغییر نمی کند.

بند سوم: مساله بانک

همانطور که می دانیم بانکها در وظیفه یکی دادند تجهیز منابع و تخصیص منابع. از طرفی بانکها پول نزد مردم را به صورت پس انداز و سپرده دریافت می کنند و از طرفی آن را در امر پرداخت تسهیلات بکار می گیرند. که در هر دو طرف آن این



مساله مطرح می شود که تا چه حد عملیات بانکیها از ربا فاصله دادند. و آیا می توان این مساله را قبول کرد که واقعا در کشور ها عملیات بانکی بدون ربا است. یا نه ؟

الف) تجهیز منابع

منابع بانک یا از طریق سپرده های قرض الحسنه است و یا هیچ سودی به آن تعلق نمی گیرد و اصولاً شخصی که دارای خود را تحت این عنوان نزد بانک می گذارد به تنهایی می تواند انگیزه داشته باشد :

۱- استفاده از خدمات بانکی مثل وصول چک های بانکها و شعب دیگر و یا جوایز بانکی.

۲- انگیزه اجر معنوی - چون وام های قرض الحسنه بانکها را از طریق همین سپرده های پس انداز تامین می شود ۳- امنیت برای وجوه.

در مورد جوایز به گفته استاد شهید مطهری هیچ اشکالی ندارد عده ای معتقدند که بانک این جوایز را از محل و ربا تهیه کرده ولی نمی توان این مسئله را با قطعیت ذکر کرد و اگر هم یک در صد احتمال دهیم که این جوایز از غیر ربا است شارع می گوید همان یک احتمال را می توان دلیل بر حلال بودن جوایز دانست. در مورد سپرده های قرض الحسنه رابطه دائن و مدیون بین بانک و سپرده گذار مطرح است که هیچ گونه پرداخت اضافی هم صورت نمی گیرد و ربا هم نیست.

سپرده کوتاه مدت (بلند مدت): مسئله اساسی در مورد سپرده های بانکی سپرده های کوتاه مدت و بلند مدت و سود تعلق گرفته به آنهاست.



سود تعلق گرفته به سپرده به صورت زیر است.

سود	یک ساله	دو ساله	سه ساله	چهار ساله	پنج ساله
بلندمدت	۱۴	۱۴/۵	۱۶/۵	۱۶/۸	۰/۱۷

در این مورد استدلال این است که رابطه بانک با سپرده گذار رابطه دائن و مدیونی نیست بلکه رابطه وکیل و موکل مطرح است یعنی بانک از طرف سپرده گذار وکیل است که سپرده او را به گردش بیندازد. و در سود حاصله با او شریک است در واقع این سود علی الحساب وسیله و ابزاری برای تشویق سپرده گذار است.

(ب) نقش و جایگاه سود علی الحساب

سود علی الحساب وجهی است که بانکها قبل از اتمام عملیات بانکی (که از حمل سپرده های مشتریان خود و به وکالت از آنان آغاز کرده اند) پرداخت می نمایند. پرداخت این وجه منوط به تحقق سود واقعی نمی باشد و می توان در فواصل زمانی معین (ماهانه - شش ماهه و یا هر سال یکبار) به صاحبان حسابهای مذکور پرداخت و یا به بستانکار حساب آنان واریز شود. اگر چه شیوه اعلام و محاسبه سود علی الحساب ربوی است. اما نباید به استناد این مشابهت سود علی الحساب را بهره و بهره را سود علی الحساب تلقی نماییم. پرداخت سود علی الحساب به صاحبان سپرده های سرمایه گذاری ابزاری دقیق و راهگشا ست که اگر حدود نظری آن بدرستی تعیین و اعمال گردد می تواند ضمن ایجاد انگیزه در صاحبان وجوه برای سپرده گذاری در بانکها نظام بانکداری نوین کشور را نیز از اتهامات و شبهات به دور نگه دارد.



ج) تفاوت بهره و سود علی الحساب

براساس قانون بانکداری بدون ربا عقدی که بین بانک و صاحبان سپرده سرمایه گذاری منعقد می گردد عقد وکالت می باشد بدین ترتیب که بانک به استناد عقد مزبور از طرف سپرده گذار وکیل می شود تا سرمایه وی را در امور مشارکت مضاربه اجاره به شرط تمکین معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه گذاری مستقیم معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار دهد و سود حاصل از عملیات مزبور را پس از کسر حق الوکاله خویش به وی مسترد نماید. بدیهی است که صاحبان سپرده های سرمایه گذاری مادام که وکالت کاتب را در مورد سپرده های خود ابطال نکرده اند و سود قطعی ناشی از عملیات بانک نیز محاسبه و معلوم نشده است، حق مطالبه هیچ گونه وجهی از کاتب ندارد. براین اساس می توان تفاوت بین نرخ بهره و سود علی الحساب را در قطعی بودن نرخ بهره در بانکداری ربوی و متزلزل بودن نرخ سود علی الحساب در بانکداری اسلامی دانست. وام گیرنده ای که سپرده سپرده گذاری را با وساطت کاتب ربوی گرفته خواه از عملیات خود سود سرشار ببرد یا مسترر شود، برای سپرده گذار فرقی ندارد نرخ بهره همان است که از ابتدا تعیین شده است. اما نرخ سود علی الحساب در صورتیکه سود عملیات مطابق پیش بینی های قبلی به بار نشیند آنچه به عنوان سود علی الحساب به سپرده گذار پرداخت شده قطعیت می یابد. درعین حال ممکن است سود حاصله بیشتر یا کمتر از مقدار پیش بینی شده باشد که در آن صورت از مقایسه آن با سود علی الحساب پرداخت شده به سپرده گذار بدهکار بودن وی به بانک یا بستانکار بودن اواز بانک معلوم می گردد. اما مشکل اصلی در عمل این است که در بانکداری ایران سود این سپرده ها قبل از



عملیات بانکی برای سپرده گذاران تضمین شده است و در واقع فرقی با نرخ بهره ندارد از طرفی این سود در طول سالیان متمادی تغییر نکرده است؟ علت چیست؟ در جواب باید گفت در طول سالهای پس از انقلاب پایین بودن بازدهی دارای ها و عملیات بانکی بعلت جنگ و مسائل پس از آن واز طرفی دام های تکلیفی^۱ که دولت بانک ها را وادار به پرداخت آن می کرد عملا سود سپرده ها از میزان پیش بینی شده آن نه تنها بیشتر نشده بلکه کمتر هم بوده و بانک ها هم برای ایجاد انگیزه در سپرده گذاران میزان ضرر حاصله رابه نفع سپرده گذار می کند و تنها در سالهای اخیر مشاهده شده که بعضی از بانکها مثل مسکن و تجارت سود بیشتری از سود علی الحساب به سپرده گذار پرداخت می کنند. مشکل دیگر وابستگی شبکه بانکی است. بنابراین اگر در یک استان عملیات بانکی سوددهی داشته باشد و مثلا در استان دیگر زیان داشته در کل در شبکه بانکی سودی حاصل نشده است.

(د) بخش مصارف

در این بخش باید دید که بانک منابع حاصل از سپرده گذاری افراد را چگونه به مصرف می رساند. در بخش مصرف ما تنها یک نوع قرض و وام دادیم و آن هم وام قرض الحسنه است که از محل سپرده های قرض الحسنه تامین می شود و سایر تسهیلات اعطای در غالب قیود اسلامی هستند.

(۱) پرداخت های تکلیفی: از سالهای پس از انقلاب به موجب تبصره های قانون بودجه، کاتبا به پرداخت های مکلف شده اند که در چهار چوب ضوابط و مقررات کاتبی بوده است و نوعا بانک ها را در وصول مطالبات خود با مشکل مواجه ساخته است به عبارت دیگر بدان ملاحظه اصل عرضه و تقاضای پول اعطای این تسهیلات صورت می گیرد در حالی که تسهیلات مذکور می توانند در بخشهای دیگری بکار گرفته شوند که بازدهی بیشتری دارند.



ذ) وام قرض الحسنه

قرض الحسنه عقدی است که به موجب آن بانکها به عنوان قرض دهنده مبلغ معینی را طبق ضوابط مقرر در دستور العمل به اشخاص حقیقی و یا حقوقی و (بعنوان قرض گیرنده) به قرض واگذار نماید تعهد باز پرداخت قرض گیرنده فقط معادل مبلغ دریافتی است.

اعطای قرض الحسنه در موارد زیر مجاز می باشد :

الف) به شرکتهای تعاونی تولید و خدماتی (غیر از بازرگانی و معدنی) که فعالیت آنها در جهت فراهم آوردن وسایل و ابزار و یا سایر امکانات ضروری به منظور ایجاد کار برای اعضای باشد در شرایطی که این اعضا خود امکانات لازم را ندارد.

ب) افرادی در مستقیما به امور کشاورزی و دامپروری مبادرت می نمایند.

جلوگیری از توقف کار کرد ها و واحد های تولیدی.

راه اندازی کارگاه ها و واحدهای تولیدی را کد.

ایجاد و توسعه کارگاه ها و واحدهای تولیدی کوچک در شهرهای کوچک و روستاها.

دفع احتیاجات افراد و مواردی مثل.

هزینه های ازدواج، تهیه تجهیزات درمان بیماری، تعمیرات مسکن کمک هزینه تحصیلی و...



در نهایت باید اذعان داشت در وام قرض الحسنه تنها ۰/۴ درصد بعنوان کارفرد بانک گرفته می شود و هیچ مبلغی اضافه بعنوان سود از وام گیرنده دریافت نمی شود.

نتیجه گیری

سیاست های پولی مجموعه اقدام هایی است که بانک های مرکزی (سیاست گذاران پولی) به منظور کنترل فعالیت های اقتصادی جامعه به کار می برند، اگرچه اهداف مقطعی و کوتاه مدت سیاست های پولی، کنترل نقدینگی و کارایی هرچه بیشتر نظام بانکی است. سیاست های پولی با اثرگذاری بر عرضه پول و نرخ سود، بسیاری از اهداف اقتصادی مانند اشتغال، ثبات قیمت ها و رشد اقتصادی را متأثر می سازند. بانک مرکزی برای دستیابی به اهداف اقتصادی به ابزارها و سازوکارهایی نیاز دارد که به عنوان ابزارهای سیاست پولی تعریف می شوند. به طور معمول ابزارهای سیاست پولی به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می شوند و از کانال های مختلفی مانند نرخ ارز، کانال اعتباری و... بر اقتصاد کشور تأثیر می گذارند. مقام های پولی با استفاده از این ابزارها بر چگونگی مصرف پول در اقتصاد اثر می گذارند و حجم پول را در اقتصاد تغییر می دهند. نرخ ذخیره قانونی از جمله ابزار غیرمستقیم سیاست پولی است که می تواند به طور غیرمستقیم حجم پول را در اقتصاد تغییر دهد. بانک مرکزی با تغییر نسبت ذخیره قانونی حجم مصارف بانک ها به ویژه تسهیلات اعطایی و خلق اعتبار آنها را کاهش یا افزایش می دهد. در این بین، عملکرد بانکداری متعارف با سیستم ذخیره جزئی موجب خلق گسترده پول به نفع نظام بانکی و تحمیل مشکلات تورمی آن به برخی از اجزای جامعه، سرایت مشکلات وام گیرندگان به بانک ها و در برخی موارد به سپرده گذاران، بروز بحران های پولی و بانکی و ایجاد



شوکه‌های شدید پولی، سواری مجانی، انتخاب بد و خطر اخلاقی، هزینه کردن از وجوه مالیات دهندگان برای بیمه کردن سپرده‌های بانکی، ناهمگونی اساسی و ضرورت برقراری مقررات احتیاطی، تحمیل هزینه‌های زیاد مالی، غیرنقد بودن سیستم و ریسک دار بودن و غیرشفاف شدن می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به اهمیت غیرقابل انکار افزایش حجم پول و خلق آن در اقتصاد اسلامی این بحث مورد توجه اقتصاددانان اسلامی بوده است. در این مطالعه، برای افزایش حجم پول در اقتصاد دو سناریو ارایه شد؛ سناریوی نخست، خلق پول به روش نظام بانکداری با ذخیره جزئی و سناریوی دوم، خلق پول از طریق بانک مرکزی با اعاده نرخ ذخیره قانونی صددرد. سپس به تصریح تابع زیان اجتماعی برآمده از فرآیند خلق پول پرداخته شد. در گام بعد، مطالعه تابع زیان اجتماعی در قالب مسأله بهینه‌سازی با توجه به قید منحنی فیلیس و معادله تقاضای کل، حداقل شد. طی این فرآیند بهینه‌یابی، تابع زیان اجتماعی با توجه به مقادیر مختلف نرخ ذخیره قانونی حداقل شد و به این نتیجه رسید که با کاهش نرخ ذخیره قانونی، زیان اجتماعی و بی‌ثباتی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، افزایش نرخ ذخیره قانونی در فرآیند افزایش حجم پول باعث کاهش هزینه اجتماعی و بی‌ثباتی در اقتصاد می‌شود. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت هرچه در فرآیند خلق پول به سمتی حرکت کنیم که بانک مرکزی این وظیفه حساس را برعهده داشته باشد شاهد زیان اجتماعی و بی‌ثباتی کمتری خواهیم بود. با توجه به آثار زیان‌بار بیان شده برای خلق پول سیستم ذخیره جزئی، در اقتصاد اسلامی خلق پول ابعاد محدودتری به خود می‌گیرد و این وظیفه باید برعهده بانک مرکزی باشد.



منابع و مآخذ

الف - فارسی

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ترازنامه و گزارش‌های اقتصادی، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی.
- توتونچیان، ایرج (۱۳۷۴)، «ارزیابی پایه‌های نظری عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران»، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات ارایه شده در ششمین سمینار بانکداری بدون ربا.
- داوودی، پرویز و حسین صمصامی (۱۳۸۷)، اقتصاد پول و بانکداری، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- روانبخش، وحید (۱۳۹۰)، «عوامل مؤثر بر عرضه پول در اقتصاد ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- قلی بگلو، محمدرضا (۱۳۹۰)، «بررسی اثربخشی سیاست پولی نسبت ذخیره قانونی و ارزیابی اثرات ترازنامه‌ای آن در شبکه بانکی کشور»، فصلنامه روند پژوهش‌های اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۵۹.
- قحف، منذر (۱۳۷۶)، مروری بر اقتصاد اسلامی، ترجمه عباس عرب‌مازار، سازمان برنامه و بودجه.
- ماجدی، علی و حسن گلریز (۱۳۶۸)، پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری، انتشارات مرکز آموزش بانکداری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.



- مارکس، کارل (۱۳۶۳)، مبانی نقد اقتصاد سیاسی، ترجمه باقر پرهام و احمد تدین، تهران، انتشارات آگه.

ب- عربی

- الجارحی، معبد (۱۹۸۰)، نحو نظام نقدی و مصرفی اسلامی، القاهرة، الاتحاد الدولي للبنوك الاسلاميه.
- شابر، محمد عمر (۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م)، نحو نظام نقدی عادل، القاهرة، المعهد العالمي للفكر الاسلامی.

ج- انگلیسی

- American Banker, Vol. The Optimum Quantity of Money and Other (۱۹۶۹), Friedman.
- Essays, Chicago, Aldine. "Credit Markets and Narrow Banking, (۱۹۹۲), Phillips, Ronnie J Annual meetings of the Easern Economics Association", New York
- City , Working Paper No. "The Chicago Plan and New Deal Banking (۱۹۹۴), Phillips, Ronnie.J
- Reform", New York, M.E. Sharping. (۱۹۸۸), Siddiqi, Mohammad Nejatullah Interest. Islamic Foundation (UK).